



۱۱

گفت‌وگو با بانپپال شومون، بازیگر «کرگدن»
به بهانه پخش قسمت پایانی این سریال

باکتف و ترقوه شکسته بازی کردم

گفت‌وگو با حسن روح‌الامین
درباره نقاشی‌هایی که از ائمه و شهدا می‌کشد

نام لیلی را مشق می‌کنم



۱۰



۱۲

نگاهی به شاهکارهای ادبی که در زندان خلق شده‌اند

در حیات کوچک پاییز در زندان

فرهنگ

شنبه ۱۰ خرداد ۱۳۹۹ :: شماره ۵۶۷۰



کاغذ اخبار

یک سفر روحانی از

زبان شفيعی کدکنی

«مصیبت‌نامه» اثر گرانسنگ عطار نیشابوری، شاعر سفرهای روحانی است که شامل ۴۰ مقاله و تعداد فراوانی حکایت شیرین و طنز است که در ۷۰۰۰ بیت سروده شده و از شاهکارهای پیر نیشابور به شمار می‌رود. با وجود اهمیت مصیبت‌نامه، این اثر چنان که باید در میان مخاطبان شناخته شده نیست و نام عطار عمدتاً با دیگر آثار او شهره شده است. این کتاب، از این چشم‌انداز، سوگ‌نامه تبار آدمی است.

انتشارات سخن به تازگی چاپ نهم از این اثر را با مقدمه، شرح و تصحیح محمدرضا شفيعی کدکنی روانه بازار کتاب کرده و در دسترس علاقه‌مندان به آثار عطار نیشابوری و ادبیات عرفانی قرار داده است. /تسним

مسعود فراستی به

مناظره طلبیده شد!

حضور مسعود فراستی در برنامه «دوره‌می» بار دیگر نام این منتقد را بر سر زبان‌ها انداخت. او که در این برنامه هم مثل همیشه از مواضعش در قبال برخی فیلم‌های مهم سینمای ایران و کارگردان‌های مطرح دنیا دفاع و از فضای سینمای ایران به شدت انتقاد کرد در میان منتقدان سینمایی واکنش‌های متفاوتی به دنبال داشت. هوشنگ گلמکانی به عنوان یکی از مدیران «هنر و تجربه» با انتشار پستی در صفحه اینستاگرامش از فراستی دعوت کرده تا با هم

مناظره کنند. مناظره‌ای که بنا به نوشته گلمکانی قبل‌تر هم چندباری مطرح شده و هر بار یکی از طرفین ماجرا ردش کرده است. باید دید این بار چه اتفاقی می‌افتد. /سینماپرس

رونمایی از تیزر

«بی‌وزنی»

تیزر بین‌المللی فیلم سینمایی «بی‌وزنی» به نویسندگی و کارگردانی مهدی فردقادی و تهیه‌کنندگی مرتضی شایسته، همزمان با حضور در بخش مسابقه هفدهمین دوره جشنواره سالن‌توی ایتالیا رونمایی شد. بی‌وزنی که پیش از این، جایزه بهترین فیلم جشنواره تجربی پرو و کارولینای شمالی آمریکا را به دست آورده بود در جدیدترین حضور جهانی خود میان ۱۰ فیلم بخش مسابقه جشنواره سالن‌تو انتخاب شده است که شهرپور سال جاری (۱۳۹۹) در جنوب ایتالیا برگزار خواهد شد. بی‌وزنی به دلیل شیوع کرونا و تعطیلی سینماها، تنها یک هفته در سینماها اکران شد و با توجه به تداوم تعطیلی سینماها از ادامه اکران انصراف داد.



کسی که داستان دریابندری را چاپ نکرد

با خرداد سالروز درگذشت محمود اعدتمدادزاده،

معروف به «به‌آدین» است



به‌آدین را بیشتر به عنوان مترجم می‌شناسیم. او بود که بالزاک، شولوخوف و رومن رولان را به ما شناساند و گرچه بعضی از این رمان‌ها را بعدها با ترجمه‌های دیگری نیز دیدیم، اما کماکان نسخه‌های با ترجمه به‌آدین در خیابان انقلاب بیشترین طرفدار را دارد. برای مثال «دن آرام» اثر میخائیل شولوخوف را علاوه بر به‌آدین، منوچهر بیگدلی خمسه و احمد شاملو هم ترجمه کردند، اما کماکان کتابخوان‌ها حاضرند پول بیشتری بدهند، اما نسخه به‌آدین را داشته باشند. به‌آدین علاوه بر وجه ترجمه و داستان‌نویسی گاه‌گاهش، مدتی هم در نشریات فعالیت کرده است.

فعالیتی که کمتر در تاریخ زندگی او به آن توجه شده است. البته فعالیت به‌آدین در نشریات چندان به مذاق دوستان و همکارانش خوش نیامد و خاطرات جالب توجهی از این برهه و اخلاق خاص به‌آدین در نشر مطالب و اداره نشریات نقل می‌کنند. برای مثال از احمد شاملو، موسس و بنیانگذار «کتاب هفته» نقل کرده‌اند که زمانی که به علت اختلافات مختلف با تصمیم‌گیرندگان «کتاب هفته» دچار مشکل شده بود، روزی به دفتر کتاب هفته می‌آید و به‌آدین را بر صندلی خود نشسته می‌یابد؛ جالب‌تر از این جمله‌ای است که به‌آدین به شاملو می‌گوید: «اگر مطلبی داشتی، می‌توانی برای چاپ به من بدهی!»

به‌آدین برای دوره‌ای سردبیر نشریه‌ای به نام صدف می‌شود. صدف ۱۲ شماره منتشر دوام می‌آورد، اما مطالب مهم و جالب توجهی در آن به چاپ می‌رسد که در آنها نکاتی است که هنوز هم خواننده هستند. از جمله بخش‌هایی از سرمقاله به‌آدین در شماره نخست صدف:

«صدف بی‌آن‌که در حدود یک مکتب معین هنری یا فلسفی مقید باشد، یا آن‌که بخواهد با خوشبینی دربست ساده‌لوحانه خود را فریب دهد، به مقام و مسؤولیت انسانی ایمان دارد و همواره از ارزش‌های مثبت زندگی دفاع خواهد کرد. صدف به میراث گرانبهای ادبیات فارسی احترام می‌گذارد و بدان سرفراز است و می‌کوشد در هر شماره نمونه‌های جالبی از شعر و نثر گذشته ایران را بیاورد، ولی وظیفه زنده و اساسی خود را در آن می‌داند که میدان وسیعی برای تجلی ذوق گویندگان و نویسندگان معاصر ایران بازگندارد و به نیروهای تازه‌ای که سرب می‌آورند فرصت جلوه‌گری دهد.»

البته به‌آدین شاید چندان هم به این قول عمل نکرده باشد! نجف دریابندری می‌گوید: «آن وقت‌ها که به‌آدین «صدف» را اداره می‌کرد داستانی ترجمه کرده بودم از جان گالزورثی. اعتمادزاده به کمک محمدجعفر محبوب پیغام فرستاده بود که مطلبی به او بدهم. من این داستان را فرستادم. چاپ نشد، تنها نسخه‌ای هم بود که داشتم. از بین رفت. پرسیدم چرا چاپ نشد؟ محبوب گفت به‌آدین با مضمون داستان مخالف بود.»

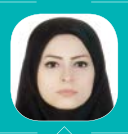
این مثبت‌ها منفی می‌آورند!

فیلمیمو، نماوا و دیگر پلتفرم‌های اینترنتی پخش فیلم، رده‌بندی‌های ساختگی خود را روی فیلم‌ها اعمال می‌کنند؛ اتفاقی که تأثیرات منفی بر روان جامعه خواهد داشت

ما تلاش کرده‌ایم به پاسخی برایش برسیم. يك فيلم ایرانی در يك پلتفرم با عنوان ۱۷+ به مخاطب معرفی می‌شود و رقیبش همان فیلم را با عنوان ۱۳+ عرضه می‌کند. مثلاً فیلم «میلیونر میامی» به کارگردانی مصطفی احمدی که به‌تازگی وارد شبکه نمایش خانگی شده در دو شبکه وی‌اودی (فیلمیمو و نماوا) در دسترس قرار گرفته، نکته بحث برانگیز در برچسب روی جلد این فیلم است.

این فیلم در سایت فیلمیمو با برچسب ۱۷+ و در سایت نماوا با برچسب ۱۲+ عرضه و تأکید شده تماشاى این فیلم برای این سنین به بالا قابل تماشا است! این اتفاق البته تنها منحصر به این فیلم نیست و برخی دیگر از فیلم‌ها هم در هر کدام از این شبکه‌ها با يك محدودیت سنی وارد بازار شده‌اند؛ خوب، چه توجیهی می‌توان برای این اتفاق آورد؟ این‌که يك فيلم مثلاً در فیلمیمو مناسب يك گروه سنی است و در نماوا مناسب همان گروه سنی نیست، نشان از آن دارد که مسوولان این وی‌اودی‌ها تلاش می‌کنند تا به هر قیمت، حساسیت مخاطب را برانگیزند و بازید خود را بالاتر ببرند.

حالا بدل شده‌اند به بخشی مهمی از سرگرمی‌های مردم. هر چند فرصتند اما می‌توانند گاهی تهدید هم باشند، گاه مانند سینما



ساناز قبری

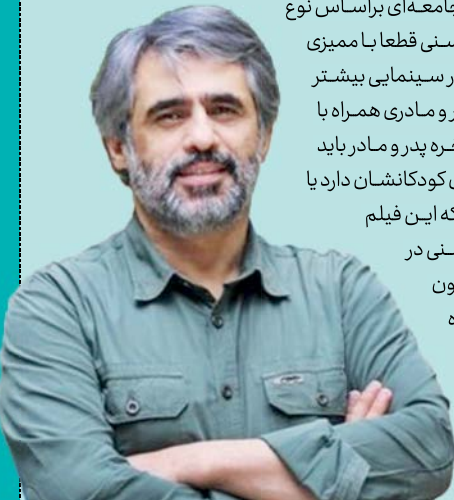
بیشتر دیده شدن روش‌های نامطلوبی را انتخاب می‌کنند و می‌خواهند به هر قیمتی که شده بازدید بیشتری داشته باشند. این شرح کوچکی است از آنچه در وی‌اودی (VOD)‌ها می‌گذرد، پلتفرم‌های نمایش فیلم که در روزگار شیوع کرونا توانستند مخاطبان خود را چند برابر کنند و حالا هم در تلاشند در فرصت پیش‌آمده خود را تثبیت کنند. بالاخره همه می‌دانیم کرونا هر قدر برای همه‌مان تهدید بوده اما برای برخی مشاغل هم فرصتی شد تا شرایط بهتری برای خود رقم بزنند.

فارغ از مباحث محتوایی در این پلتفرم‌ها، با موضوع جالب دیگری روبه‌رو شده‌ایم. موضوع رده‌بندی سنی البته از نوعی دیگر! چرا از نوعی دیگر؟ چون برخوردی که مدیران این سایت‌های نمایش فیلم با چنین موضوع مهمی دارند، عجیب به نظر می‌رسد. می‌پرسید چرا؟ این همان سوالی است که

از فیلمیمو به من اطلاع دادند

البته هیچ‌کس مخالف رده‌بندی سنی فیلم‌ها نبوده و در همه دنیا این روایی معمول است. روالی که البته در ایران جدی گرفته نمی‌شود و حالا هم به نظر می‌رسد به يك ابزار تبلیغاتی بدل شده است. سعید ابوطالب که این روزها مجموعه «شام ایرانی» را باره‌بندی سنی بالای ۱۳ سال در سامانه فیلمیمو دارد، رده‌بندی سنی فیلم‌ها را امری ضروری دانست و به جام‌جم گفت: با توجه به گسترش ویروس کرونا و خانه‌نشینی مردم این مجموعه علاوه بر شبکه نمایش خانگی، به شکل وی‌اودی از فیلمیمو هم پخش می‌شود. البته از سوی فیلمیمو اطلاع دادند که قصد دارند این فیلم را برای سنین بالای ۱۳ سال توصیه کنند و طبعاً من هم موافقت کردم.

او تأکید کرد: نمی‌دانم این اعداد با چه پارامتری و از سوی کدام نهاد روی فیلم‌ها و سریال‌ها گذاشته می‌شود، اما اعمال آن را در هر جامعه‌ای براساس نوع فرهنگ آن جامعه بسیار ضروری می‌دانم. رده‌بندی سنی قطعاً با تمیزی بسیار متفاوت است. در کشور ما هیأت رده‌بندی آثار سینمایی بیشتر جنبه توصیه و اطلاع‌رسانی دارد. مثلاً فرض کنید پدر و مادری همراه با کودکانشان قصد رفتن به سینما را دارند. خوب، بالاخره پدر و مادر باید بدانند این فیلم و مضامین آن تناسبی با سن و سال کودکانشان دارد یا خیر؟ رده‌بندی سنی به والدین اطلاع‌رسانی می‌کند که این فیلم مناسب فرزندانشان هست یا خیر. این رده‌بندی سنی در خیلی از کشورها به قدری مهم است که نوجوان بدون خانواده‌اش برای تماشای این آثار، داخل سینما راه داده نمی‌شود. در وی‌اودی‌ها هم رده‌بندی سنی بسیار مهم و البته قابل کنترل توسط والدین است و امیدوارم در آینده به شکلی اصولی‌تر و محکم‌تر اعمال شود.



ترفندهای ناسالم تبلیغاتی

با توجه به اهمیت رده‌بندی سنی برای فیلم‌ها در شبکه‌های وی‌اودی با کیوان کثیریان منتقد سینما گفت‌وگو کردیم.

کثیریان به ما اجرای رده‌بندی فیلم «میلیونر میامی» اشاره کرد و گفت: «طبق آیین‌نامه شورای درجه‌بندی فیلم ۱۸+ باید شامل صحنه‌های افراطی خشونت و روابط جنسی باشد و همین‌طور طبق قواعد بین‌المللی رده‌بندی سنی، فیلم‌هایی که تماشاى آنها برای زیر ۱۸ سال نامناسب تشخیص داده می‌شود، دارای صحنه‌هایی است که حتی اعضا و جوارح خاصی از بدن را به نمایش می‌گذارند.

نمی‌دانم ممکن است نسخه‌ای با این مشخصات از فیلم میلیونر میامی ساخته و پنهانی آن را تحویل فیلمیمو داده که ما بی‌خبر هستیم و نسخه‌ای دیگر بدون این صحنه‌ها را تحویل نماوا داده. برای این دو عدد مختلف که با یکدیگر بسیار متفاوت هستند و دوباره سنی مختلف را شامل می‌شوند چه توجیه دیگری می‌توان آورد؟»

آنچه متولیان وی‌اودی‌ها با رفتار مشابه نگرانش نیستند، به خطر افتادن سلامت روانی و اخلاقی نوجوانان است. کثیریان با تأکید بر این نکته افزود: «برای اعمال این اعداد هیچ توجیه قابل قبولی وجود ندارد. ۱۷+ يك نوع تبلیغ ناسالم برای مخاطب است که او را حریص به دیدن کند.

چون ۱۷+ یعنی این فیلم خیلی مورد‌دار است و به‌طور مشخص نوعی سوءاستفاده‌گری است.

ضمن این‌که این مساله در مورد فیلم‌های دیگر هم اتفاق افتاده! فیلم «طلا» به کارگردانی پرویز شهبازی در يك شبکه با رده سنی ۱۲+ و در شبکه‌ای دیگر با رده سنی ۱۳+ به مخاطب معرفی شده!»

این منتقد سینما نکته مهم دیگری را هم مطرح کرده و گفت: «تا جایی که من مطلع هستم ماه‌هاست جلسه شورای رده‌بندی سنی فیلم‌ها تشکیل نمی‌شود و در چنین حالتی معلوم نیست این درجه‌بندی از کجا ابلاغ می‌شود؟ اگر جای دیگری غیر از شورای رده‌بندی سنی فیلم‌ها این اعداد را تعیین می‌کند، آنجا کجاست که برای يك فیلم دو عدد سنی مختلف تعیین می‌کند؟ شورایی که رده‌بندی سنی فیلم‌ها را تعیین می‌کنند باید شخصیت‌هایی آشنا با فیلم و سینما در حوزه‌های فرهنگی، آموزشی، تربیتی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و رسانه باشند که به تناسب روحیه و سن و سال کودکان و نوجوانان فیلمی را به آنها توصیه کنند.»

کثیریان همچنین از سردرگمی مخاطب ابراز نگرانی کرد و در پایان سخنان‌اش اظهار کرد: «سازمان سینمایی به عنوان متولی فعلی این ماجرا و به عنوان ناظر بر این مسائل چرا واکنشی نشان نمی‌دهد؟ مگر نه این‌که این سازمان باید مدافع حقوق مصرف‌کننده باشد؟»